

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**حقوق مالیه**

**عمومی**

# فصل ٦

## اصول مالیات ها

# نظام مالیاتی تعیین و وصول مالیات:

۱. اصول مالیات  
ها از نظر  
علمای مالیه  
عمومی و  
اقتصاد دانان
۲. اصول  
کلاسیک  
مالیات ها

# نظام مالیاتی تعیین و وصول مالیات:

۱. اصول کلاسیک

۲. اصول جدید

۱. تحول اصول حاکم

بر تعیین و وصول  
مالیات در

مالیه عمومی

۲. اختلاف نظر علمای

مالیه و اقتصاد دانان

کلاسیک و جدید

# اصول کلاسیک مالیات ها

اقتصاد دانان مالیه کلاسیک اصولی را برای تعیین و وصول مالیات مطرح کرده اند.

مشهور ترین آن ها اصول چهارگانه **آدام اسمیت** بنیان گذار این مکتب در کتاب ثروت ملل وی است که عبارتند از:

- الف) اصل عدالت ب) اصل سهولت
- ج) اصل اطمینان د) اصل صرفه جویی

# اصل عدالت

\*به موجب این اصل مالیات باید به طور عادلانه بین مردم و تقسیم و وصول شود .

\*از نظر آدام اسمیت مالیاتی عادلانه است که:

۱. **متناسب با توانایی پرداخت** مودی باشد که به اصطلاحاً مالیات نسبی یا تناسبی گویند.

در این نوع مالیات نرخ مالیات همواره ثابت است

۲. ویژگی دیگر مالیات عادلانه **برابری** است. یعنی همه کسانی که در شرایط یکسان مالیاتی قرار دارند باید مالیات برابر بپردازند

۳. ویژگی عدالت مالیاتی **فراگیری یا عمومیت** است. یعنی تمام افراد جامعه باید مالیات پرداخت کنند و تبعیضی بین آن ها نباشد.\*

امروزه این امر مانع از برقراری قانونی معافیت ها، بخشودگی ها و تخفیف های مالیاتی برای اشخاص ناتوان و کم بضاعت یا در راستای اعمال سیاست های اقتصادی مانند تشویق تولید و سرمایه گذاری نیست

# اصل عدالت

\* اصل عادلانه بودن مالیات یا عدالت مالیاتی کماکان به عنوان یکی از اصول مهم مالیاتی در مالیه عمومی جدید نیز مطرح است اما مفهوم آن با گذشته تفاوت دارد. دونوع برداشت از این مفهوم وجود دارد که عدالت افقی و عدالت عمومی نامیده می شود.

# اصل عدالت

## عدالت عمودی:

در مالیه عمومی جدید مطرح است. به معنی وصول مالیات نابرابر از اشخاصی است که در وضعیت های اقتصادی متفاوتی قرار دارند. این مفهوم مستلزم نرخ های متفاوت مالیاتی برای درآمد های مختلف است که امروزه در قالب **نرخ های تصاعدی** مطرح میشود

## عدالت افقی:

دریافت مالیات برابر از افراد دارای شرایط یکسان مورد نظر است. اگرچه در وضعیت های اقتصادی متفاوتی قرار داشته باشند.

\* این مفهوم مورد نظر علمای کلاسیک مالیه عمومی بوده است.



# اصل سهولت

- \* سهل الوصول بودن مالیات یعنی :
- ۱. در بهترین زمان و مکان
- ۲. مناسبترین شیوه ممکن وصول گردد
- ۳. برای مودیان و دستگاه های مالیاتی ناراحتی و زحمت کمتری ایجاد کند

# اصل اطمینان

\* مالیات باید کاملاً **مشخص و معین** باشد. به نحوی که مودی بتواند از **درستی** و **دقت عمل ماموران** مالیاتی اطمینان حاصل کند. این دقت و اطمینان وقتی به وجود می آید که مسائل مربوط به مالیات از قبیل:

۱. ماخذ تعلق مالیات

۲. نحوه تشخیص مالیات

۳. نرخ

۴. میزان

۵. زمان پرداخت

۶. شیوه پرداخت مالیات

به طور دقیق روشن و معین باشند و هیچ کدام از این امور به میل و اراده دلخواه ماموران تشخیص و وصول مالیات واگذار نشود.

\* قوانین مالیاتی باید **ساده، شفاف و دقیق** باشند و دستگاه مالیاتی اطلاعات لازم و کامل را در اختیار مودیان بگذارد.

# اصل صرفه جویی

\*هزینه های وصول مالیات باید به حداقل ممکن کاهش یابد  
به نحوی که نسبت بین این هزینه ها و درآمد های مالیاتی  
ناچیز و اندک باشد و درآمد های خالص دولت را بالا ببرد.

\*امروزه به این اصل ، **اصل بازده یا اصل اقتصادی بودن**  
مالیات گویند.

\*منظور آن است که بازدهی مالیات از طریق کاهش هزینه  
های تشخیص و وصول مالیات و افزایش دامنه شمول آن بالا  
برود

# اصول جدید مالیات ها

در اثر تحولات علم مالیه عمومی علمای این علم و اقتصاد دانان اصول جدیدی برای مالیات برشمردند که عبارتند از:

الف) اصل **شخصی ساختن** مالیات

ب) اصل **دخالت و کارآمدی**

ج) اصل **مطلوبیت درآمد یا اصل تصاعدی بودن** نرخ مالیات

د) اصل **بهای خدمات و اصل فداکاری**

# اصل شخصی ساختن مالیات

\*طبق این اصل در برقراری و وصول مالیات باید خصوصیات مودی ، وضعیت زندگی و نحوه کسب درآمد وی مورد توجه قرار گیرد.

\*از مودیان متاهل و عائله مند نسبت به مودیان مجرد مالیات کمتری دریافت شوند.

\*میزان مالیات بر درآمد حاصل از کار کمتر از درآمد حاصل از سرمایه باشد.

\*مالیات بر درآمدهای اتفاقی مانند هبه و مالیات بر ارث بیشتر از سایر مالیات ها باشد.

\* این اصل از طریق ایجاد معافیت ها ، تخفیف ها و بخشودگی های مالیاتی و اعمال نرخ های متفاوت مالیاتی (نرخ های تصاعدی) بر درآمد های مختلف برقرار میشود.

# اصل شخصی ساختن مالیات

\*طبق این اصل در برقراری و وصول مالیات باید خصوصیات مودی، وضعیت زندگی و نحوه کسب درآمد وی مورد توجه قرار گیرد.

\*از مودیان متاهل و عائله مند نسبت به مودیان مجرد مالیات کمتری دریافت شوند.

\*میزان مالیات بر درآمد حاصل از کار کمتر از درآمد حاصل از سرمایه باشد.

\*مالیات بر درآمدهای اتفاقی مانند هبه و مالیات بر ارث بیشتر از سایر مالیات ها باشد.

\* این اصل از طریق ایجاد معافیت ها، تخفیف ها و بخشودگی های مالیاتی و اعمال نرخ های متفاوت مالیاتی (نرخ های تصاعدی) بر درآمد های مختلف برقرار میشود.

# اصل دخالت و کارآمدی

\*در گذشته کلاسیک ها با توجه به طرفداری از اصل آزادی و تعادل اقتصادی و اصل عدم دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی به اصل بی طرفی مالیات ها اعتقاد داشتند و میگفتند که در برقراری مالیات ها نباید اهداف اقتصادی و اجتماعی و مداخله گری دولت در این امور مورد توجه قرار گیرد.

# اصل دخالت و کارآمدی

\* اقتصاددانان جدید برعکس قائل به دخالت دولت در این امور جهت ارشاد فعالیت های اقتصادی و استفاده از ابزارهای مالی به ویژه مالیات در این زمینه هستند. براین اساس امروزه دیگر مسئله بی طرفی مالیات ها مطرح نیست بلکه مالیات علاوه بر تامین درآمد عمومی به عنوان وسیله موثری برای اعمال اقتصاد ارشادی مورد استفاده دولت ها قرار میگیرد و یکی از ابزارهای مهم سیاست های مالی آن هاست.



# اصل دخالت

\* دخالت دولت در امور اقتصادی از طریق مالیات را **اصل دخالت مالیات** می گویند که میتواند اهداف اقتصادی متفاوتی داشته باشد مثلا ممکن است :

۱ دولت به وسیله افزایش یا کاهش مالیات ، بحران های اقتصادی مانند تورم و رکود را مهار کند یا از طریق کاهش نرخ مالیات یا برقراری معافیت ها ، بخشودگی ها و تخفیف های مالیاتی ، **فعالیت های اقتصادی مولد و اشتغال زا و مطلوب** مثل تولیدات کالاهای ضروری و اساسی را تشویق نماید.

۲ دولت با افزایش نرخ مالیات و عدم اعمال تخفیف ، بخشودگی و معافیت مالیاتی **فعالیت های نا مطلوب** مانند تولیدات یا واردات سیگار و کالاهای تجملی را محدود سازد.

# اصل کارآمدی

برخی دیگر از صاحب نظران از این اصل به عنوان اصل کارآمدی نام میبرند. که براساس آن اخذ و استفاده از مالیات میتواند باعث افزایش رفاه عمومی و کارآیی شود. مثلا میتواند پیامدهای منفی را کاهش دهد. آگه دولت از طریق ابزار مالیات ، بحران های اقتصادی و زمینه های شکست بازار را حل و فصل کند این ابزار کارآمد خواهد بود. از لحاظ عملی نیز اخذ مالیات نباید انگیزه کار و یا انگیزه پس انداز ، سرمایه گذاری و تولید را کاهش دهد.

# اصل مطلوبیت در آمد یا اصل تصاعدی بودن نرخ مالیات

\*کلاسیک ها معتقد بودند با اعمال مالیات نسبی ، عدالت مالیاتی برقرار میشود.  
\*اقتصاد دانان جدید با توسل به قانون مطلوبیت نهایی نزولی معتقدند به علت اینکه مطلوبیت نهایی هر واحد پولی ( درآمد) برای افراد کم درآمد بیشتر از مطلوبیت نهایی آن برای افراد پردرآمد است لذا اگر به نسبت مساوی از درآمد این دو طبقه مالیات اخذ شود فرد کم درآمد مقدار مطلوبیت بیشتری از دست میدهد. به همین دلیل این عده میگویند که مالیات نسبی کاملا عادلانه نیست و برای اینکه از دست دادن مطلوبیت برای هر دو گروه برابر شود باید ضریب ( نرخ) مالیات با بالارفتن درآمد افزایش یا به عبارتی نرخ مالیات تصاعدی شود که به آن **مالیات تصاعدی** گویند.

\*مثلا شخصی که ۵۰۰ هزار واحد پولی درآمد دارد با نرخ ۱۰ درصد و دیگری که درآمدش ۷۵۰ واحد پولی است با نرخ ۱۵ درصد مالیات بپردازند.

\*امروزه بیشتر کشورها از جمله ایران از نظام مالیات تصاعدی در مورد مالیات بر درآمد استفاده میکنند.

# اصل بهای خدمات و فداکاری

این اصول به ماهیت مالیات و فلسفه وضع آن برمیگردد.

\*در این باره نظرات مختلفی از سوی اقتصاددانان و علمای مالیه عمومی مطرح شده است. به عقیده برخی مالیات هرکس باید به گونه ای برقرار شود که متناسب با بهای خدماتی که از دولت دریافت میکند مالیات پرداخت کند.

\*مثلا کسی که اتومبیل شخصی دارد و بنزین بیشتری مصرف میکند باید به نسبت افراد فاقد اتومبیل شخصی مالیات بر مصرف بنزین بیشتری بپردازد.

\*عده ای دیگر این دیدگاه را درست نمیدانند زیرا اغلب کسانی که از خدمات دولتی استفاده میکنند توان پرداخت مالیات سنگین را ندارند.

\*مثلا در جامعه ما افراد کم بضاعت از بیمارستان ها و مدارس دولتی بیشتر استفاده میکنند در صورتی که مالیات کمتری می پردازند. به نظر اینان مالیات باید به گونه برقرار شود که

نوعی فداکاری که مطلوب جامعه است بین افراد به وجود آورد به عبارت دیگر برخی از افراد که از تمکن مالی بالایی برخوردارند باید فداکاری کرده و بیشتر از ارزش خدماتی که از دولت

عایدشان میشود مالیات پرداخت کنند و اشخاص کم بضاعت کمتر از ارزش خدمات دریافتی از دولت مالیات بپردازند. به این دیدگاه اصل فداکاری میگویند.

\*اصل توانایی پرداخت: طبق این اصل آنان که توانا ترند باید مالیات بیشتر و ناتوانان مالیات کمتری پرداخت کنند.

# اصل بهای خدمات و فداکاری

\*مبنای مالیات بر مصرف اصل بهای خدمات است  
و مالیات بر درآمد عمدتاً بر اصل فداکاری مبتنی  
است.

# اصول حقوقی حاکم بر وضع و اجرای مالیات ها

- الف) اصل قانونی بودن مالیات
- ب) اصل تساوی افراد در مقابل مالیات
- ج) اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی و سایر اصول مربوط به حقوق مودیان مالیات
- د) اصول حقوقی مربوط به اجرای قوانین مالیاتی در زمان و مکان

# اصل قانونی بودن مالیات

\* تا قبل از پیدایش حکومت های مشروطه که مبتنی بر حکومت قانون مصوب مجلس قانون گذاری هستند ، وضع و اجرای مالیات و میزان آن به میل و اراده ی حکام بستگی داشت و مالیات دهندگان هیچ گونه نقش مستقیم یا غیر مستقیمی در این زمینه نداشتند و غالباً از سوی مامورین دستگاه مالیاتی مورد اجحاف و تعدی قرار میگرفتند. این **خودسری و ستم حکام و مامورین مالیاتی** آن ها کم کم منجر به پیدایش اندیشه **لزوم اخذ مجوز قانونی** برای مالیات گردید که ظهور حکومت قانون و مشروطه را در پی داشت و در واقع منشا پیدایش این نوع حکومت محسوب میشود.

\* در طول تاریخ برای اولین بار این موضوع در **قرن سیزدهم** در کشور انگلستان رخ داد.

\* در سال ۱۲۱۵ م جان پادشاه وقت این کشور تحت فشار و تاثیر اتحاد زمین داران و اعیان کشور منشوری را به نام **(منشور بزرگ)** یا **(منشور آزادی)** به تصویب رساند.

\* به موجب یکی از بندهای آن (هیچ مالیات و عوارضی **بدون موافقت شورای مملکتی** وضع نخواهد شد)

\* البته مالیات و عوارضی که در این منشور ذکر شده بود حقوقی بوده که روسای این کشور که در آن زمان به صورت ملوک الطوائفی اداره میشد به پادشاه میپرداختند.

\* در سل ۱۶۲۶ پادشاه انگلستان مجبور شد لایحه ای را به نام **لایحه ی حقوق** که به تصویب مجلس قانون گذاری این کشور رسیده بود بپذیرد.

\* در این لایحه صریحاً مقرر شده بود که هیچ کس حق ندارد به صورت هدیه یا قرض یا کمک یا مالیات و یا هر نوع تحمیل دیگری **بدون موافقت مجلس مالیاتی** وصول کند و دریافت هر نوع پولی برای دستگاه حکومت به هر اسم و رسم بدون موافقت مجلس غیر قانونی خواهد بود.

# اصل قانونی بودن مالیات

\*امروزه اصل قانونی بودن مالیات به تدریج در قوانین اساسی کشورهای مختلف و حتی اسناد بین المللی مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی انعکاس یافته به نحوی که میتوان از آن به عنوان مهمترین اصل اساسی مالیات ها نام برد.



# اصل قانونی بودن مالیات

\***اصل ۵۱** قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر این اصل مقرر میدارد: ( هیچ نوع مالیات وضع نمیشود مگر به موجب قانون ، موارد معافیت ، بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص میشود.)

\*در نظام های حقوقی مختلف برای جلوگیری از وضع و اجرای مالیات غیر قانونی و در واقع به منظور تضمین اجرای این اصل ، ضمانت اجراهای قانونی لازم پیشبینی شده است.

\*مهمترین و موثر ترین ضمانت اجرا همان **ضمانت اجرای کیفری یا مجازات کیفری** است که با **جرم انگاری** این موضوع تحقق میابد.

\*در کشور ما این موضوع تحت عنوان کلی ( **بزه اخذ وجوه غیرقانونی** ) که شامل مالیات نیز میگردد به عنوان یکی از جرائم خاص کارکنان دولت در ماده ۶۰۰ **قانون مجازات اسلامی** پیشبینی شده است.

\* (هریک از مسئولین دولتی و مستخدمین و مامورینی که مامور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است برخلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانون اقدام یا وجه یا مالی اخذ کند یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دوماه تا یک سال محکوم خواهد شد...)

\*

از **ضمانت اجراهای اداری** در این خصوص میتوان نام برد  
مثل اعمال مجازات های اداری توسط مراجع اداری مربوط از  
قبیل هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری و هیئت های  
مستشاری دیوان محاسبات کشور.

\*در نظام حقوقی ایران ، امکان شکایت از اقدامات و اعمال  
خلاف قانون ماموران و مراجع مالیاتی و مقررات دولتی خلاف  
قانون به دیوان عدالت اداری و ابطال آن ها وجود دارد( مواد  
۱۰ و ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری)

# اصل تساوی افراد در مقابل مالیات

اصل تساوی مالیاتی یا اصل منع تبعیض بین مودیان مالیاتی:

همه ی افراد جامعه در مقابل مالیات یکسان و برابر هستند و در وضع و اجرای قوانین مالیاتی باید این اصل بین افراد رعایت شود بدون هیچ گونه تفاوت و تبعیضی.

\*این اصل ریشه در حقوق بشر و آزادی های عمومی دارد.

\*اصل برابری افراد در برابر قانون علاوه بر تصریح در قانون اساسی کشور ها در اسناد بین المللی حقوق بشر از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۱ و ۲ و ۷) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ( ماده ۲۶) مورد تاکید قرار گرفته.

\*در اصل ۹۷ متمم قانون اساسی مشروطیت ایران نیز به صراحت تاکید شده بود که مقرر میداشت ( در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فی مابین افراد ملت گذارده نخواهد شد).

\*در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظیر اصل چنین صریح و روشنی در این باره وجود ندارد اگرچه از اصول مربوط قانون اساسی در مورد برابری افراد در مقابل قانون ( اصل ۲۰) و تساوی حقوقی افراد ( اصل ۱۹) قابل استنباط است.

\*اصل تساوی مالیاتی ایجاب میکند که سازمان های دولتی که فعالیت های تصدی گرایانه و انتفاعی انجام میدهند یعنی شرکت های دولتی و همچنین به طور کلی فعالیت های اقتصادی و تجاری دولت مشمول مالیات قرار گیرد. ماده ۲ اصلاحی قانون م.م و تبصره های ۱ و ۲ آن به درستی بیانگر این موضوع است.

# اصل تساوی افراد در مقابل مالیات

ماده مذکور صرفاً وزارت خانه ها و موسسات دولتی ، شهرداری ها ، دستگاه هایی که بودجه آن ها توسط دولت تامین میشود و بنیاد ها و نهاد های انقلاب اسلامی دارای مجوز فعالیت از طرف حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری را از شمول مالیات های موضوع این قانون مستثنا کرده است ولی شرکت های دولتی را مشمول این حکم قرار نداده است.

\* تبصره ۱ ماده ۲ تصریح مینماید شرکت هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن ها متعلق به اشخاص و موسسه های مذکور در بندهای فوق باشد سهم درآمد یا سود آن ها مشمول حکم این ماده نخواهد بود.

\* تبصره ۲ ماده ۲۰ : درآمد های حاصل از فعالیت های اقتصادی از قبیل فعالیت های صنعتی ، معدنی ، تجاری ، خدماتی و سایر فعالیت های تولیدی برای اشخاص موضوع این ماده که به نحوی غیر از طریق شرکت نیز تحصیل میشود در هر مورد به طور جداگانه مشمول مالیات قرار داده است.

# اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی و سایر اصول مربوط به حقوق مودیان مالیاتی

\*با توجه به اینکه یکی از اختیارات و امتیازات دستگاه مالیاتی در مرحله تشخیص مالیات، **حق اخذ اطلاعات** از کسب و کار و درآمد و فعالیت های اقتصادی مودیان است براین اساس ماموران مالیاتی:

- (۱) میتوانند طبق قانون به کلیه ی دفاتر و اسناد و مدارک مربوط مودیان مراجعه و رسیدگی نمایند و مودی نیز مکلف به ارائه و تسلیم آن ها است (ماده ۲۲۹ ق.م.م)
- (۲) مامورین مالیاتی میتوانند اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به کسب و کار و درآمد مودیان مالیاتی را از **اشخاص ثالث** اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و حقوق عمومی نیز اخذ کنند(مواد ۲۳۰ و ۲۳۱ ق.م.م)
- (۳) همچنین هیئت های بازرسی سازمان امور مالیاتی کشور **حق بازرسی** دفاتر و اسناد و مدارک مودیان مالیاتی را دارند.

# اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی و سایر اصول مربوط به حقوق مودیان مالیات

\*دستگاه مالیاتی با توسل به این اختیارات گسترده و فوق العاده میتوانند به **اطلاعات وسیعی** از درآمد و فعالیت های اقتصادی مودیان و امور مالی و اقتصادی آن ها دست یابند که افشای اندکی از آن ها برای مودی در عرصه **رقابت تجاری و اقتصادی** بسیار زیان آور و جبران ناپذیر خواهد بود بدین لحاظ قانون گذار به منظور رعایت حقوق مودیان مالیاتی در ماده ۲۳۲ ق.م.م اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی را مورد تصریح و تاکید قرار داده است.

# اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی و سایر اصول مربوط به حقوق مودیان مالیات

\*ارجاع این ماده به قانون مجازات اسلامی در مورد ضمانت اجرایی اصل مذکور به ماده ۶۴۸ این قانون برمیگردد: اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار میشوند هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند به ۳ ماه و یک روز تا یک سال حبس و به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشوند.

\*به موجب بند ۱۱ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری یکی از **مصادیق تخلفات اداری** محسوب میگردد که مستلزم رسیدگی و اعمال مجازات اداری است.

\*افزون بر اصل مذکور اصول حقوق دیگری در ارتباط با حقوق مودیان مالیاتی وجود دارد که مهمترین آن ها **اصل رفتار منصفانه با مودی و اصل دادرسی عادلانه در رسیدگی و حل و فصل دعاوی مالیاتی** است.

# اصول حقوقی مربوط به اجرای قوانین مالیاتی در زمان و مکان

\* زمان در اجرای قوانین مالیاتی نقش بسزایی را ایفا میکند زیرا تعهدات ناشی از هزینه های دولت که به اتکای درآمدهای عمومی از قبیل مالیات ایجاد میشود مقید به زمان است. اهمیت این موضوع باعث پیدایش اصول زیر شده است:

- ۱) اصل سالانه بودن مالیات
- ۲) اصل اجرای فوری قوانین مالیاتی
- ۳) اصل مرور زمان مالیاتی
- ۴) اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین مالیاتی

\*



**مکان** نیز نقش مهمی در اجرای قوانین مالیاتی دارد. **محل اقامت** مودی و **مکانی که ماخذ تعلق مالیات** ( دارایی و درآمد) در آن قرار دارد در تعیین وضع مالیاتی مودی از لحاظ حقوقی اهمیت زیادی دارد که در قالب دو اصل مهم شامل: **اصل شمول قوانین مالیاتی بر اشخاص مقیم و اصل سرزمینی بودن قوانین مالیاتی** از این دو عامل موثر بر اجرایی قوانین مالیاتی در مکان هستند.

\*این دو اصل گاهی موجب بروز دو پدیده **مالیات مضاعف** و **فرار مالیاتی** میشود.

\*از لحاظ حقوقی دو اصل دیگری را در این ارتباط مطرح میکنند که عبارتند از: **اصل اجتناب از دریافت مالیات مضاعف** و **اصل پیشگیری و مقابله با فرار مالیاتی**